

تهدیب و تربیت قرآنی

باتاسی به سیره و
روش معصومین (علیهم السلام)

■ مریم سیامک دستجردی ■ کارشناس ارشد علوم تربیتی

* چکیده

امروزه ما وارث جهانی پر از ناکامیها، شکست‌ها، بیمناکی‌ها و سرخوردگی‌ها هستیم، کنار نهادن عقل و خرد و پیروی از امیال درونی، غرایز حیوانی و خودخواهی‌ها، انسان‌هایی بی‌رحم، بی‌منطق و تخریب‌گر ساخته است. وجود اینهمه بی‌عدالتی، سرگشتگی، جنگ و بسیاری از رفتارهای غیرعقلانی، موید این امر است که بشر امروزی قبل از هر چیز به تربیت نیاز دارد. در اهمیت تربیت در اسلام همین بس که در قرآن مجید از یکی از اهداف عالیّه بعثت پیامبران به عنوان تزکیه (تربیت) نام برده شده است. تربیت در اسلام با معانی و تعابیر مختلفی بکار رفته است. در یک تعبیر، تربیت به معنای رسیدن به رشد است. آیه ۱ سوره جن ناظر بر این تعبیر است. در این آیه هدف قرآن هدایت به حق و کمال عقلی است. آیات دیگری مانند ۲۵۶ سوره بقره، ۱۰ سوره جن و ۱۰ سوره کهف، نیز ناظر بر همین معنا از تربیت هستند. در جای دیگر قرآن مانند آیات ۲۹ و ۳۸ سوره غافر مأموریت پیامبر اسلام هدایت به راه کمال ذکر شده است. هدایتی که در آن فرد، در راه مستقیم (صراط المستقیم) گام برمی‌دارد. در سوره آل عمران آیه ۱۶۴ آمده است که همانا خداوند بر افراد با ایمان منت نهاد و برای آنان پیامبری را مبعوث کرد تا آنان آیات الهی را تلاوت کنند و انسانها را از آلودگیها برهانند (تزکیه کنند) و به آنها کتاب و حکمت بیاموزند. و یا در نهج الفصاحه، پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: "من برای به کمال رساندن خوبیهای اخلاق مبعوث شدم". بنابراین تزکیه نفس باعث رستگاری می‌شود و تربیت باعث به کمال رسیدن ابعاد معنوی و شخصیتی انسانها می‌گردد. در این میان پرمعناترین تعبیر از تربیت اسلامی همان تعبیر به تزکیه است. در آیه دوم سوره جمعه، هدف از بعثت رسولان و پیامبران آگاه ساختن انسانها از نشانه‌های الهی، تزکیه آنها و علم آموزی به آنها عنوان شده است. این سه هدف بزرگ الهی جز برترین اهداف تربیت اسلامی است (مکارم شیرازی، ۱۳۶۷). هدف اول یعنی آگاه ساختن انسانها به نشانه‌های الهی جنبه مقدماتی دارد و در آن سعی می‌شود کودک با رشد گیرنده‌های حسی خود مخصوصا دیدن و شنیدن بتواند به تفکر و تاملی درست



در عالم خلقت برسد. در مرحله بعد کودک یاد می‌گیرد که از انجام رفتارهای غیراخلاقی و غیرانسانی بپرهیزد و فضائل و کمالات انسانی را در خود رشد دهد. در مرحله سوم و آخرین مرحله تربیت، کودک شروع به علم آموزی می‌کند تا بیشتر از پیش رو به سوی کمال برود. تربیت اسلامی جامع است از این نظر که شامل پرورش جسم، روح، فرد و جمع، دنیا و آخرت می‌شود (احمدی، ۱۳۶۴). تربیت در اسلام تنها انجام مناسک دینی نیست، بلکه پروراندن هر صفت و کمالی است که انسان به عنوان جانشین خدا بر زمین و انسان به عنوان انسان باید دارا باشد. آیات، روایات و توصیه‌های دینی متفاوتی را می‌توان یافت که در آن نه تنها به عبادت و انجام مراسم دینی توصیه شده است بلکه کسب کلیه فضائل و دوری از هر حیوان صفتی سفارش شده است. از دیگر ویژگی‌های تربیت اسلامی این است که تمامی تلاش‌های تربیتی یک مسیر را دنبال می‌کنند و آن عبادت و بندگی خدا و تسلیم رضای او بودن است. این ویژگی مخصوص تربیت اسلامی است و در هیچ یک از مدل‌های تربیتی وجود ندارد. در بهترین روش‌های تربیتی فرد خدمتگزار جامعه است و هدف والاتری وجود ندارد. از ویژگی‌های دیگر تربیت اسلامی تاکید آن بر تربیت شناختی است. آنقدر که در تربیت اسلامی بر پرورش تفکر و علم آموزی تاکید شده است در هیچ یک از مدل‌های تربیت چنین سفارش نشده است.

* بررسی هدف‌های تربیتی اسلام از منظر علمای علوم تربیتی:

هدف‌های تربیتی در اسلام از نظر شریعت‌مداری عبارتند از: تقوی و پرهیزگاری، آموزش حکمت، پرورش عدالت خواهی، تکامل انسان، استقلال فردی، پذیرش مسوولیت فردی، تغییر رفتار، احترام به انسان، ایمان به صلاحیت مردم، پرستش خدا، برادری و همکاری، دوستی با ملل دیگر و پرورش روح اجتماعی. پس می‌توان گفت یکی از اهداف تعلیم و تربیت اسلامی شناخت خود و پیرامون خود است. فرزندانمان را باید بگونه‌ای تربیت کنیم که مشتاقانه در پی کشف خود و محیط خود آیند. ما می‌توانیم به روش بسیار دقیق و هوشمندانه آن را هدایت نمائیم مسلماً اگر این نهاده درونی نتواند به درستی رشد یابد ما در اهداف تربیتی خود دچار شکست شده ایم. برای تربیت و رشد این نهاده باید سعی کنیم از ابتدا کودک را مشتاق به بررسی و پویش اطراف خود نمائیم. ما می‌توانیم با جواب دادن به پرسش‌های او با حوصله و سعی بیشتر او را برای طرح پرسش‌های دیگر به حرکت وا داریم پس شناخت خود و پیرامون خود می‌تواند از اولین اهداف تربیتی باشد که از ابتدای تولد می‌توان به آن پرداخت. آموزش‌هایی که در این مرحله به کودک داده می‌شود باید در برگیرنده شناخت کودک از حقوق خود و دیگران باشد. کودک یاد می‌گیرد که به دیگران احترام بگذارد. حق خود را در قبال جامعه و محیط زیست ادا کند. یاد بگیرد که فکر کند و مهارت‌های تفکر را بیاموزد و بتواند رابطه‌ای انسانی با دیگران برقرار سازد. در مرحله بعد که از هفت سالگی شروع می‌شود، بیشترین تاکید بر تربیت دینی است. کودک یاد می‌گیرد که مناسک دینی را انجام دهد. دین خود را بشناسد و هر آنچه به او از طرف دین امر شده است، انجام دهد و از آنچه که از آن نهی شده است دوری گزیند. این مرحله توأم است با شروع تعلیم و تربیت رسمی که در آن مرحله سوم از تعلیم و تربیت اسلامی که همان یاددهی علم و حکمت است آغاز می‌شود. در این مرحله است که شناخت و آگاهی‌های فرد از خود و جهان و همچنین آفریدگار جهانیان به مرتبه‌ای رسیده است که بتواند از روی آگاهی به سوی شکوفایی گوهر انسانی خود قدم بردارد. بنابراین به طور خلاصه می‌توان گفت که در تعلیم و تربیت اسلامی یک هدف

اساسی وجود دارد و آن حرکت انسان بسوی خداست. روشهای تربیت اسلامی در قرآن به روشهای گوناگون تربیت اشاره شده است. یکی از آن روشها که اتفاقاً در روان شناسی مدرن امروزی نیز کاربرد دارد، روش تشویق و تنبیه است. مکرراً در قرآن می بینیم که خداوند انسانها را به دادن پاداش در مقابل نیکیها و مبتلا ساختن آنها به عذاب در مقابل بدیها اشاره دارد. این روش در روان شناسی بسیار رایج است. در این روش برای تغییر و اصلاح رفتار می توان با دادن پاداش و یا تنبیه کردن انسانها را وا داشت تا رفتار بخصوصی را ارائه دهند و رفتار دیگر را سرکوب نمایند. تفاوت روش تشویق و تنبیه قرآنی و روان شناسی امروزه در این است که تنبیه یا تشویق خداوند اکثراً به دنیای دیگری واگذار شده است. اگر چه در این دنیا نیز تا حدودی تشویق و تنبیه وجود دارد ولی در روان شناسی بلافاصله بعد از رفتار خاصی تشویق و تنبیه صورت می گیرد. با این حال می توان از هر دو روش قرآنی و روان شناسانه برای تربیت افراد استفاده نمود. روش دیگری که در تربیت اسلامی وجود دارد و مکرراً به آن اشاره شده است. الگوگیری از سیره پیامبران و اولیا خداست. خداوند رفتار رسول اکرم را "أسوه حسنه" برای مردم می شمارد تا از آن الگو گیرند. در روان شناسی مدرن نیز از این روش مخصوصاً برای فراگیری رفتارهای اجتماعی استفاده شایانی می شود. الگو باید ویژگیهای بخصوصی داشته باشد تا مورد الگوگیری قرار بگیرد. این ویژگیها شامل جنسیت، سواد، موقعیت اقتصادی، اجتماعی، ویژگیهای شخصیتی، سن و از این قبیل است. توجه به این ویژگی ها می تواند این روش تربیتی را کارآمدتر سازد. روش دیگر تربیت در اسلام روش تذکر است. ذکر به معنای یادآوری است. به این معنا که ما چیزی را که قبلاً فرد یاد گرفته است، با بیان صفتی از آن، به او گوشزد می کنیم. این روش صرفاً موقعی موثر است که فرد چیز را قبلاً یاد گرفته باشد. در این صورت نیازی به استفاده از تنبیه نیست بلکه یادآوری آنچه فراموش کرده است کافی است. گاهی این روش می تواند به صورت امر به معروف و نهی از منکر صورت بگیرد که نوع دیگری از تذکر دادن است. از دیگر روشهای تربیت اسلامی می توان روش "بیان داستان" را نام برد. در قرآن بسیاری از داستانهای عبرت آموز وجود دارد که هر یک می تواند انقلابی در درون انسانها ایجاد نماید. روش داستانی روش استفاده از تجربیات دیگران به جای تجربه فردی است.

این روش مخصوصاً در سنین نوجوانی بسیار کاربرد دارد. چرا که در این سن، نوجوان می تواند روابط منطقی بین پدیده ها را به طور ذهنی درک نماید ولی کاربرد آن در کودکان نمی تواند موثر باشد. روش دیگری که باز در قرآن نیز به آن اشاره شده است روش محاسبه نفس است. این روش که در آن فرد به باز نمودن اعمال خویش طی دوره مشخصی می پردازد، در روان شناسی مدرن نیز کاربرد فراوانی دارد. این روش از جمله روشهای شناختی تعلیم و تربیت است که امروزه به آن خود جهت دهی یا خود نظم دهی می گویند. از طریق این روش می توان به افراد یاد داد تا خود، رفتارها و اعمال خود را تحت نظر بگیرند و آنها را کنترل نمایند. به این وسیله به عوض اینکه از بیرون به کنترل افراد بپردازیم، خود آنها را مسوول اعمال خودشان قرار می دهیم. البته روشهای دیگری نیز در تربیت اسلامی وجود دارد که نویسندگانی مانند (تهرانی، ۱۳۷۶) به آنها اشاره داشته اند مانند روش محبت، روش موعظه، روش توجه و روش ابتلا و امتحان. ما از ذکر این روشها به جهت طولانی تر شدن بحث خودداری می نمائیم. هر چند بعضی از آنها در دل روشهای ذکر شده مستتر است، مانند روش محبت که باید در تمامی روشهای تربیتی اعمال گردد. روش موعظه می تواند به صورت ذکر یا

داستان سرائی نیز صورت پذیرد و روش توبه که روش کاملاً فردی است و ابتلا به امتحان الهی نیز از روشهایی است که خداوند در قبال بندگان خود بکار می برد.

نظام تعلیم و تربیت پیامبراعظم(ص) بهترین و مناسب ترین زمینه وحدت مسلمانان جهان است، چون مورد قبول همه امت اسلامی است و هر کس به خدا و قرآن عقیده داشته باشد، تعلیم پیامبر(ص) را باور داشته و بر آن پایبند است. اگر اندیشمندان مسلمان به نظام تربیتی پیامبر(ص) عمل کنند، همه اختلافهای مذهبی و گروهی برطرف و اتحاد واقعی در میان امت اسلامی حاکم می گردد. آن چه در نظام تربیتی پیامبراعظم(ص) مهم است، ضمن عمل به دستورالعمل های تربیتی آن بزرگوار، ترویج و تبلیغ آموزه های نبوی است. مهمترین مسؤلیت آنان دعوت مردم به اتحاد و هماهنگی براساس تعلیم پیامبر اسلام(ص) و نادیده گرفتن عوامل اختلاف و تفرقه امت اسلامی است. اگر علمای شیعه و سنی در کشورهای اسلامی به سوی وحدت واقعی حرکت کنند، مناسب ترین روش و راهکار، شناخت نظام تربیتی پیامبراعظم(ص) و عمل و ترویج معارف نبوی در میان جوامع مسلمان و بخصوص نسل جوان است که در کمترین زمان ممکن، نتیجه مطلوبی خواهد داشت.

*روشهای تربیتی رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم)

۱. اصل هماهنگی تربیت و فطرت انسانی:

در این روش، شکوفاسازی و پرورش متربیان مدنظر است. به کارگیری این روش مستلزم این است که برنامه ریزیهای تربیتی به گونه ای باید هدایت شود که به تحقق این مهم بینجامد.

۲. اصل توحید محوری:

دومین اصلی که از مبانی تعلیم انبیا به روشنی قابل دستیابی است، اصل توحید محوری و یگانه پرستی است که همواره اساس دعوت پیامبران بوده است. پیامبر خاتم(ص) به عنوان آخرین فرستاده خدا، مانند انبیای سلف، توحید را مبانی تعلیم و تربیت خویش قرار داد و بر این اساس تبلیغ دین کرد. تمام فعالیتهای پیامبر، به ویژه اساس تعلیم و تربیت آن حضرت بر محور اصل توحید استوار بود.

۳. اصل آخرت گرایی:

اصل آخرت گرایی به معنای دست کشیدن از دنیا نیست، بلکه منظور از آن بهره گیری درست از مادیات دنیا است که نحوه استفاده از آن زمینه ساز زندگی آخرت خواهد بود. رسول خدا(ص) می فرماید: «دنیا کشتزار جهان آخرت است». هیچ کس نمی تواند در آخرت محصول خوبی برداشت کند، مگر این که در دنیا بذر خوب پاشیده باشد.

۴. اصل کرامت انسانی:

کرامت به معنای شرافت، اصالت، بزرگ منشی و نیک سیرتی است که حاصل بهره مندی فطری و ذاتی یک موجود می باشد. خداوند آدمی را از بهره مندیهای درونی ویژه ای، چون عقل و اراده و اختیار برخوردار ساخته که موجب کرامت او شده است. تکریم و تعزیر متربی از اساسی ترین اصول تربیت است؛ زیرا اساس تربیت بر کرامت و عزت مندی است. پیامبر(ص) می فرماید: «هیچکس را از مسلمانان را کوچک شمرده و تحقیر نمایید؛ زیرا کوچک آنان هم در نزد خدا بزرگ است».

۵. اصل توجه به تفاوت های فردی:

تفاوتهای فردی ناشی از سرشت و فطرت انسانی است که نظام توحیدی و جاودانگی انسان هم موافق

و مقتضی آن می باشند؛ تفاوت‌های فردی به عنوان یک اصل در تعلیم و تربیت همه انبیا وجود داشته و براساس آن مشی می کردند. پیامبر خدا (ص) می فرماید: «ما جماعت انبیا مأمور شدیم که با مردم بر میزان عقل شان سخن بگوییم.»

«سیره تربیتی امام علی (علیه‌السلام)

۱. الگوی عملی بودن :

به نظر می رسد مهمترین و کارآمدترین روشی که ائمه ((علیهم‌السلام)) در تربیت اخلاقی فرزندانشان به کار می گرفتند، رفتار عملی آنان بود. آنها خود الگوی کامل و مطمئن اخلاقی برای فرزندانشان بودند. اعمال و رفتارشان هر لحظه در منظر فرزندان قرار داشت و فرزندان با دیدن آنها مشق زندگی می گرفتند. سیره تربیتی علی (علیه‌السلام) مملو از رفتارهای عملی است که برای همه سرمشق بود.

۲. موعظه:

پند دادن یکی از روشهای اخلاقی است که در سیره تربیتی علی (علیه‌السلام) بسیار دیده می شود. آن حضرت در فرصتهای مناسب فرزندان خویش را پند می داد و دل‌های پاک و نورانی آنان را نورانی تر می ساخت. روش تربیتی موعظه چنان در سیره تربیتی آن حضرت مهم بود که حتی در بستر شهادت از آن بهره جست..

۳. یاد مرگ و قیامت:

از جمله روشهای تربیت اخلاقی، یاد مرگ و قیامت است. یاد مرگ و قیامت موجب می شود انسان از آرزوهای مادی جدا گردیده، به گناه تن ندهد بخصوص فرزندان را به فراموش نکردن آن توصیه می فرمود. حضرت ضمن نامه ای به امام حسن ((علیه‌السلام)) می فرماید: «فرزندم! فراوان به یاد مردن باش و به یاد موقعیتی که در آن قرار می گیری و پس از مردن بدان روی می کنی تا چون بر تو درآید، ساز خویش را آراسته و کمر خود را بسته باشی چنان نباشد که ناگهان مرگ تو را دریابد و بر تو چیره گردد.»

۴. تربیت اجتماعی:

تربیت اجتماعی از ابعاد مهم تربیت در نظام تربیتی اسلام است. اسلام دین عزلت گزینی و فردگرایی نیست بلکه علاوه بر توجه به امور فردی، به مسایل اجتماعی نیز توجه ویژه دارد و این یکی از امتیازهای بزرگ دین خاتم است. در سیره معصومان ((علیهم‌السلام))، بویژه امام علی (علیه‌السلام) ، تربیت اجتماعی از جایگاهی ویژه و با اهمیت برخوردار است. مراد از تربیت اجتماعی مجموعه دیدگاهها در زمینه روابط اجتماعی و نیز رفتارهای عملی است که امام علی (علیه‌السلام) فرزندان را به آن سفارش می کرد.

الف. تربیت اجتماعی در خانه:

آغاز تربیت اجتماعی از جامعه کوچک خانواده است و فرزندان نخستین برخوردهای اجتماعی را در درون خانه تجربه می کنند. رفتار با پدر، مادر، برادران و خواهران ابتدایی ترین ارتباطات اجتماعی فرزندان است.

مهمترین و کارآمدترین روشی که ائمه (علیهم‌السلام) در تربیت اخلاق فرزندانشان به کار می گرفتند، رفتار عملی آنان بود. در سیره تربیتی امام علی (علیه‌السلام) این نکته مورد توجه بود و آن

حضرت با ایجاد رابطه اجتماعی صحیح میان فرزندان خود به تربیت اجتماعی آنان اقدام می فرمود. در روایت آمده است: امام علی (علیه السلام) به امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) فرمود: «شما را به تقوای الهی و گرایش و رغبت به آخرت و زهد در دنیا سفارش می کنم. بر آنچه از دنیا از دست داده اید، تأسف نخورید. کار خیر انجام دهید و دشمن ستمگر و یاور ستمدیده باشید.» سپس فرزندش محمد را صدا زد و فرمود: «آیا آنچه را به برادرانت سفارش کردم شنیدی؟» او گفت: «آری. فرمود: «شما را نیز به آنها سفارش می کنم. بر تو باد به نیکی به برادرانت امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) و رعایت احترام آنها و شناخت فضل و مقام آنان. بدون نظر آنان کاری انجام مده.»

ب. تربیت اجتماعی خارج از خانه:

فرزند در خارج از خانه با اجتماع سر و کار دارد و در پرتو این ارتباط به زندگی اجتماعی خود استمرار می بخشد. از این رو نیازمند برقراری ارتباط سالم و عاطفی با دیگران است. علی (علیه السلام) در هنگام احتضار، امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) و محمد بن حنفیه و سایر فرزندان خود را جمع کرد و در پایان وصیت خویش فرمود «یابنی عاشر و الناس عشرة ان غبتم حنوا الیکم و ان فقدتم بکو علیکم.»

با مردم به گونه ای معاشرت و ارتباط داشته باشید که اگر از نظرشان دور شدید دل در هوای شما داشته باشند و اگر مردید شدید بر شما بگریزند.

۵. میزان و معیار رابطه درست با دیگران:

امام علی (علیه السلام) در سیره تربیتی خویش برای برقراری ارتباط درست و سالم با دیگران و نیز برخورد با آنها معیار و ملاک کلیدی را به فرزندان خود ارائه فرمود و آن نقش انسان است: «یا بنی اجعل نفسک میزاناً فیما بینک و بین غیرک...» فرزندم! خود را میان خویش و دیگری میزان قرار ده، پس آنچه را برای خود دوست می داری، برای غیر خود نیز دوست داشته باش و آنچه را برای خود خوش نداری، برای دیگری نیز خوش مدار؛ ستم نکن چنانکه دوست نداری به تو ستم شود؛ و نیکی کن چنانکه دوست داری به تو نیکی کنند...»

۶. تربیت جسمانی:

در سیره تربیتی معصومان (علیهم السلام) تربیت جسمانی و حفظ تندرستی مورد توجه واقع گردیده؛ جسم مرکب روح و حفظ سلامتی جسم، مقدمه سلامتی روح تلقی شده است. از این رو تغذیه مناسب و رعایت نکات بهداشتی در سیره تربیتی حضرت علی (علیه السلام) مورد توجه ویژه قرار گرفته است.

الف. تغذیه:

تغذیه مناسب یکی از عوامل تداوم سلامت انسان است و برای کودکان و نوجوان اهمیت ویژه دارد. برای کودک شیر مادر با برکت ترین ماده غذایی است. علی (علیه السلام) می فرماید: «هامن لبن رضع به الصببی اعظم برکة علیه من لبن امه.» برای نوزاد هیچ شیری با برکت تر از شیر مادر نیست.»

ب. رعایت نکات بهداشتی:

علاوه بر تغذیه سالم و مقوی، رعایت نکات بهداشتی چه در هنگام غذا خوردن و چه در تداوم سلامتی کودک نقشی مهم دارد. حضرت علی (علیه السلام) به فرزندش امام حسن (علیه السلام) فرمود: آیا نمی خواهی چهار صفت به تو آموزم که از پزشک و دارو بی نیاز شوی؟ عرض کرد: آری. حضرت فرمود: هرگز بر سر غذا منشین مگر اینکه گرسنه باشی و از غذا دست مکش مگر اینکه هنوز به غذا اشتها

داشته باشی. در جویندن غذا خوب دقت کن و در وقت خواب خود را از فضولات فارغ ساز. اگر این دستورها را بکار بندی، از پزشک بی نیاز خواهی شد.»

«شیوه های تربیت فرزندان در سیره و کلام امام علی (علیه السلام):

الف. شیوه محبت:

برای کودکان در آغوش گرفتن و بوسیدن و برای بزرگترها دادن هدیه و اظهار محبت زبانی از مناسب ترین شیوه هاست. علی (علیه السلام) می فرماید: «هر که فرزند خود را ببوسد، برای او پاداش و حسنه خواهد بود و هر که فرزند خود را شاد کند، خداوند در روز قیامت او را شاد خواهد فرمود...»

ب. شیوه احترام به شخصیت فرزند:

شیوه احترام به شخصیت فرزند و واگذار کردن مسؤولیت به او است. احترام به فرزند و تکریم شخصیت او، اعتماد به نفس را در وی تقویت می کند و او را برای انجام مسؤولیت های مهم فردی و اجتماعی آماده می سازد. از سوی دیگر، سرزنش زیاد فرزند، آتش لجاجت و دشمنی را در او شعله ور می سازد. علی (ع) در این زمینه می فرماید: «الا فراط فی الملامه یتبئ ناراللجاجة» زیاده روی در سرزنش، آتش لجاجت را در فرد روشن می کند.»

ج. شیوه تشویق و تنبیه:

از شیوه های مسلم تربیتی، تشویق و تنبیه است. تشویق عامل برانگیزاننده و تنبیه عامل بازدارنده است. حضرت علی (علیه السلام) شیرین کاری کودکش را با بوسیدن و در آغوش گرفتن وی پاسخ داد و تشویق کرد. البته فرزندان تربیت یافته علی (علیه السلام) - بویژه دو فرزند معصومش حسن و حسین علیهما السلام - به تنبیه نیاز نداشتند. اما در مواردی که مسأله ای بسیار مورد اهتمام علی (علیه السلام) بوده و فرزندان آن حضرت ترک اولی انجام می دادند، آن حضرت موضعی سختگیرانه و انعطاف ناپذیر داشته اند و گاهی فرزندان خود را تهدید می نمودند؛ برای نمونه در امور مربوط به بیت المال که بسیار برای آن حضرت مهم می نمود، آنگاه که فرزندان در مورد آنها احتیاط نمی نمودند و موجب ترک اولی می شدند، حضرت بسیار سخت می گرفتند.

د. شیوه الگویی:

شیوه الگویی نیز از شیوه های مهم تربیتی است زیرا در پرتوی آن شخصی تربیت شده با نصب العین قرار دادن رفتار و کردار الگوهاء، آنها را نیز در خود ایجاد نموده و به تدریج درونی می کند. این شیوه تربیتی امام علی (علیه السلام) از اهمیت زیادی برخوردار است و آن حضرت به دو طریق از این شیوه تربیتی فرزندان خود بهره می جستند: یکی از طریق معرفی نمودن الگوهای مطمئن و دیگری الگو بودن خودشان برای آنان.

ه. شیوه همراه کردن امور دینی با خاطرات خوشایند:

یکی از شیوه های جالب توجه در تربیت دینی فرزندان همراه نمودن امور دینی و معنوی با خاطرات خوشایند برای آنان است. بدین صورت که رفتارها و آداب دینی و مذهب را در یک فضای مطبوع و همراه با ایجاد خوشایندی و مطلوبیت به فرزندان القاء نمود. برای نمونه، هنگامی که فرزند را همراه خود به نماز جمعه می بریم حتی الامکان در آنجا برای آنان هدیه تهیه نماییم و یا آنها را بیشتر در مجالس ائمه (علیهم السلام) که همراه با شادی است.



* شیوه‌های تربیتی حضرت زهرا(س):

حضرت زهرا(س) با همفکری و همکاری پیامبر (ص) و علی(ع) زیباترین نام‌ها را برای فرزندان خود انتخاب نمود و از این جهت، حتی که بر ذمه داشت به بهترین شکل ممکن ادا کرد. اعتقاد به عقیقه:

عقیقه (قربانی) و صدقه از مستحباتی است که در اسلام، تأکید زیادی بر آن شده است. نقل شده است که فاطمه (س) هر گاه صاحب فرزندی می‌شد، برای آنها گوسفندی عقیقه می‌داد، سپس روز هفتم، سرشان را می‌تراشید و برابر وزن موهای آنها نقره صدقه داده، برای قابله و همسایه‌ها هدیه می‌فرستاد و دیگران را در شادی خود سهیم می‌کرد یکی دیگر از سنت‌های جاری در زندگی صدیقه کبرا (س) گفتن اذان در گوش راست و اقامه در گوش چپ فرزند بود. آن حضرت به خوبی می‌دانست که باید کودک را از همان لحظات اول زندگی با کلماتی چون الله، محمد، نماز ... آشنا کرد که این آشنایی، به یقین در جهت گیری تمایلات روحی او به ملکوت اعلا اثر خواهد گذاشت. عواطف مادری و نقش آن در تربیت فرزند:

حضرت فاطمه(س) که خود از سرچشمه محبت و عطا و رسول خدا(ص) سیراب گشته و قلبش کانون محبت به همسر و فرزندان خود بود در این جهت نیز وظیفه مادری خود را به بهترین شکل، انجام می‌داد. سلمان می‌گوید: روزی فاطمه زهرا(س) را دیدم که مشغول آسیاب بود. در این هنگام، فرزندش حسین گریه می‌کرد و بی تاب بود. عرض کردم، برای کمک به شما آسیاب کنم یا بچه را آرام نمایم؟ ایشان فرمود: من به آرام کردن فرزندم اولی هستم، شما آسیاب را بچرخانید توجه به نیازهای کودک:

فاطمه زهرا(س) شکم فرزندانش را به قیمت گرسنگی خود، سیر می‌کرد.

زمانی که مسلمانان به علت کمبود آب، سخت در مضیقه بودند، فاطمه (س) حسن و حسین (ع) را نزد پیامبر(ص) برد و عرض کرد: ای رسول خدا! فرزندان من خردسالند و تحمل تشنگی در توان آنها نیست. پیامبر (ص) که نگرانی دخترش را در این رابطه، بجا و به موقع دید، زبان مبارکش را در دهان حسن و حسین(ع) قرار داد و با تر کردن دهان آنها، حضرت زهرا را از نگرانی در آورد و آن دو طفل کوچک را نیز از تشنگی مفرط نجات داد. بازی و تحرک:

در شیوه تربیت حضرت زهرا(س) جایگاه خاصی داشت، تحرک و بازی کودکان بود. این فعالیت و تکاپو به قدری برای سلامتی و رشد مناسب کودک، ضروری است که حتی برای تشویق آنها به تحرک و بازی، بزرگترها نیز باید تن به بازی و جست و خیز بدهند.

حضرت علی(ع) و فاطمه زهرا(س) در خانه به بازی بچه‌ها توجه کافی مبذول می‌داشتند و همین امر، موجب شادابی و نشاط روزافزون آنها می‌شد. در مقابل، خانه‌هایی که برای کودک، محیط مناسب و دلنشین برای بازی و تحرک نیست، در روحیه و شخصیت اعضای خردسال آن خانه، اثر نامطلوبی دارد. نباید فراموش کرد که تحرک و بازی، اقتضای طبیعت و سن کودک است و پدر و مادر وی وظیفه دارند شرط و لوازم این مهم را برای کودکان خود فراهم سازند. حضرت فاطمه(س) از همان دوران کودکی با فرزندان همبازی می‌شد، و به این نکته نیز توجه داشت که در بازی، نوع الفاظ و حرکات مادر، سرمشق کودک، قرار می‌گیرد؛ بنابراین باید از الفاظ و جملات مناسبی استفاده کرد. علاوه بر این باید

در قالب بازی و شوخی، نفس کودک را تقویت نموده، او را به داشتن مفاخر و ارزشهای اکتسابی تحریک و تهییج کرد. اینها همه مرهون در پیش گرفتن شیوه های صحیح در این رابطه است. نقل شده است که حضرت زهرا(س) با فرزندش امام حسن مجتبی(ع) بازی می کرد و او را بالا می انداخت و می فرمود: پسرم حسن، مانند پدرت باش. ریسمان ظلم را از حق بر کن. خدایی را بپرست که صاحب نعمتهای متعدد است و هیچ گاه با صاحبان ظلم و تعدی، دوستی مکن. همچنین نقل شده است که وقتی فرزندش حسین(ع) را بازی می داد، این گونه می فرمود: تو به پدر من (پیامبر(ص)) شبیهی و به پدرت علی شباهت نداری.

طبق همین نقل، این بیت، موجب خنده و تبسم حضرت علی(ع) می شد. از این قطعات تاریخی، استفاده می شود که حضرت علی(ع) و فاطمه زهرا(س) علی رغم تمام مشکلات و گرفتاری های موجود، در برخورد با کودکان، خود را خوشحال و خندان نشان می دادند. این لازمه و جوهره جوانمردی است که انسان گرفتاری های خارج از خانه را با خود به خانه نیاورد و غصه های خود را هر قدر که باشد، در ظاهر خود، نمایان نسازد. بدون تردید، فرزندی که محصول تربیت چنین خانواده هایی هستند از روانی سالم، روحیه ای قوی و نفسی مطمئن برخوردار خواهند بود.

*سیره تربیتی امام حسن(علیه السلام)

در سیره تربیتی امام حسن(ع) مسائل تربیتی و نکات باریک روان شناختی قابل توجهی دیده می شود که می تواند به عنوان الگو و روش صحیح تعلیم و مطرح شود

الف. تحریک حس کمال خواهی:

امام حسن(ع) از این شیوه در تربیت فرزندان استفاده می کرد. آن حضرت روزی فرزندان خود و فرزندان برادرش را دعوت کرده و در ضمن یک گفتگوی صمیمی به آنان فرمود: آنکم صفار قوم و یوشک آن تکونوا کبار قوم آخرین فتعلموا العلم فمن لم يستطع منكم ان يحفظه فليكتبه و ليضعه في بيته؛ همه شما کودکان اجتماع امروز هستید و امید است که بزرگان جامعه فردا باشید پس دانش تحصیل کنید و علم بیاموزید. هر کس از توانائی حفظ دانش را ندارد آن را بنویسد و در منزلش نگهداری نماید

ب. شناساندن الگوهای خوب:

امام مجتبی(ع) در سیره و سخن خویش به الگوی نیکو اشاره کرده و آنان را به پیروانش می شناساند. آن حضرت بعد از شهادت پدر بزرگوارش به معرفی شخصیت ممتاز تاریخ، حضرت امیرالمؤمنین(ع) پرداخته و آن گرامی را به عنوان سرمشق خوبان عالم معرفی کرده و فرمود: ای مردم! در این شب مردی از دنیا رفت که در هیچ کار نیکی، پیشینیان بر او سبقت نگرفتند و بندگان خدا در هیچ سعادتى به او نمی توانند برسند. او به همراه پیامبر(ص) جهاد می کرد و جان خود را فدای او می نمود.

ج. شیوه حلم و خویششن داری:

حلم و بردباری مریبان در ارتباط با متریبان حساسیت خاصی دارد. زیرا نوجوانان و کودکان در اثر بازی گوشی و شیطننت ممکن است دچار خطاها و لغزش هائی شوند و موجبات ناراحتی بزرگترها را فراهم آورند اما استفاده از این شیوه مریبان را بیشتر یاری خواهد کرد. و طعم شیرین مدارا و گذشت را در آینده نزدیک خواهند چشید.

د. شیوه های رفتاری:



با مروری کوتاه به سیره عملی امام مجتبی(ع) بهره‌گیری از این شیوه را به روشنی مشاهده خواهیم کرد که تمام کمالات اخلاقی و معنوی و انسانی در سراسر زندگی آن حضرت به چشم می‌خورد. عفو و گذشت، حلم و بردباری، تواضع و فروتنی، عبادت و راز و نیاز کرامت و بخشش و سایر خصلت‌های ویژه انسانی در زندگی آن حضرت مشهود است.

ه. ورزش و تفریح: در امر تربیت توجه به شادی سالم و روحیه‌بخش و حرکات نشاط آفرین جایگاه ویژه دارد. چرا که تفریح و ورزش کودکان و نوجوانان را پر توان، فعال و نیرومند می‌سازد و افرادی که با نشاط باشند آموزه‌های اخلاقی و کمالات را بهتر می‌پذیرند. در سیره امام حسن(ع) ورزش از روش‌های تفریح، سرگرمی و تقویت جسم و روح و بالاخره از عوامل رشد و تربیت محسوب می‌شود آن حضرت ضمن شرکت در ورزش‌های تربیتی و تفریحی از پرورش روحی و معنوی نیز غافل نبود.

«تأسی به امام حسین (علیه‌السلام) در تربیت فرزند»

در میان معصومان ((علیهم‌السلام)) امام حسین (ع) از موقعیت ویژه‌ای برخوردار است و این موقعیت به زندگی و سیره تربیتی آن حضرت برجستگی خاصی بخشیده است. امام حسین (ع) به عنوان الگوی تربیتی مطمئن و کامل، محبت به فرزندان را از نیازهای ضروری آنان دانسته، در قالب‌های گوناگون به ابراز آن می‌پرداخت. گاه با در آغوش گرفتن و به سینه چسبانیدن خردسالان، زمانی با بوسیدن آنان و گاه با به زبان آوردن کلمات شیرین و محبت آمیز. عبيدالله بن عتبه چنین می‌گوید: «نزد حسین بن علی(ع) بودم که علی بن حسین(ع) وارد شد. حسین(ع) (امام سجاد (ع) را صدا زد، در آغوش گرفت و به سینه چسبانید، میان دو چشمش را بوسید و سپس فرمود: پدرم به فدایت باد، چقدر خوشبو و زیبایی!»

۱. اهمیت آموزش‌های دینی فرزندان و قدردانی از معلمان و مربیان:

مرحوم بحرانی در حلیه الأبرار از شیخ فخرالدین نجفی - که از فضلا و زهاد بود- چنان نقل کرده که شخصی به نام عبدالرحمان در مدینه معلم کودکان بود و یکی از فرزندان امام حسین(ع) به نام «جعفر» نزدش آموزش می‌دید. معلم جمله «الحمد لله رب العالمین» را به جعفر تعلیم داد. هنگامی که جعفر این جمله را برای پدر قرائت کرد، حضرت معلم فرزندش را فراخواند و هزار دینار و هزار حله... به او هدیه داد. وقتی حضرت به خاطر پاداش زیاد مورد پرسش قرار گرفت، در جواب فرمود:

: هدیه من برابر با تعلیم «الحمد لله رب العالمین» است.

۲. احترام به انتخاب جوان:

جوان در طول زندگی با انتخاب‌های گوناگون رو به روست و یکی از مهمترین آنها گزینش همسر است. در این مسئله، چنانچه فرزند از قدرت انتخاب صحیح و معقول برخوردار است، باید به وی حق انتخاب داد و از ازدواج‌های تحمیلی پرهیز کرد. حسن، فرزند امام حسن مجتبی(ع) یکی از دختران امام حسین(ع) را خواستگاری کرد. امام حسین(ع) به او فرمود: «فرزندم! هر کدام را بیشتر دوست داری انتخاب کن.» فرزند امام مجتبی(ع) شرم کرد و جوابی نداد. آنگاه امام حسین(ع) فرمود: «من دخترم فاطمه را برایت انتخاب کرده‌ام؛ زیرا او به مادرم فاطمه دختر رسول خدا(ص) شبیه تر است.»

*سیره تربیتی امام سجّاد(علیه السلام)

امام صادق(ع) فرمود: شیوه حضرت علی بن الحسین (ع) در ماه رمضان چنان بود که هرگاه غلامان یا کنیزان آن حضرت خطائی را مرتکب می‌شدند آنان را تنبیه نمی‌کرد. آن حضرت فقط خطاها و گناهان آنان را در دفتری ثبت کرده و تخلّفات هر کس را با نام و موضوع مشخص می‌نمود. در آخر ماه همه غلامان و کنیزان را جمع کرده و در میان آنان می‌ایستاد. آنگاه از روی نوشته تمام کارهای خلاف آنان را که در طول ماه رمضان مرتکب شده بودند برایشان گوشزد می‌کرد و به تک تک آنان می‌فرمود: فلانی تو در فلان روز و فلان ساعت تخلفی کردی و من ترا تنبیه نکردم! آیا به یاد می‌آوری؟ می‌گفت: بلی ای پسر رسول خدا! و تا آخرین نفر این مطالب را متذکر می‌شد و آنان به اشتباهات و خطاهای خود اعتراف می‌کردند. آنگاه به آنان می‌فرمود: «ارفعوا اصواتکم و قولوا یا علی بن الحسین! ان ربک قد احصى عليك کلّمَا عملت کما احصیت علینا کلّمَا قد عملنا و لیدیه کتاب ینطق علیک بالحق لا یغادر صغیرة ولا کبیرة ممّا اتیت الا احصاها و تجد کلّمَا عملت لیدیه حاضرًا...»؛ با صدای بلند بگوئید: ای علی بن الحسین! پروردگارت تمام اعمال و رفتار تو را نوشته است چنان که تو اعمال ما را نوشته‌ای. نزد خداوند نامه اعمالی هست که با تو به حق سخن می‌گوید و هیچ عمل ریز و درشتی را فروگزاری نمی‌کند و هرچه انجام داده‌ای به حساب آورده و تمام آنچه را که انجام داده‌ای نزد او حاضر و آماده خواهی یافت، چنان که ما اعمال خود را در نزد تو آماده و ثبت شده دیدیم. پس ما را ببخش همچنان که دوست داری خدا تو را ببخشد.

*شیوه تربیتی امام باقر (علیه السلام)

۱. گفتن اقامه در گوش و باز کردن کام نوزاد با آب فرات:
امام باقر (ع) فرمودند: «شایسته است کام نوزاد با آب فرات باز گردد و در گوشش اقامه گفته شود.»
۲. عقیقه و نامگذاری:
آنحضرت فرمودند: «هرگاه برای شما فرزندی بدنیا آمد در روز هفتم اگر پسر است گوسفند نر و اگر دختر است گوسفند ماده برایش عقیقه کنید و از گوشت آن به قابله بدهید و در روز هفتم او را نامگذاری کنید.»
۳. انتخاب نام نیکو:
صادقترین نامها، نامهایی است که بندگی خداوند را تداعی نماید و بهترین آنها نامهای پیامبران است. و در حدیث دیگری فرمودند: «مبغوض ترین نامها نزد خداوند نامهای «حارث، مالک و خالد» است.»
۴. کودک و نیاز به محبت:
امام باقر (ع) در فرصتهای مناسب از طریق در آغوش گرفتن و بیان جملات محبت آمیز، محبت خود را به کودک خردسالش امام صادق (علیه السلام) نشان می‌دادند و از این طریق به نیاز عاطفی او پاسخ می‌گفتند.
۵. ستایش از فرزند صالح:
علی بن حکم به نقل از طاهر یکی از اصحاب امام باقر (ع) نقل می‌کند. من در خدمت امام باقر (ع) نشسته بودم که فرزندش جعفر (ع) وارد شد. امام باقر (ع) در باره اش فرمود: «او بهترین مخلوقات خداوند است» در این حدیث ملاحظه می‌شود که امام باقر (ع) در نزد صحابی خود فرزندش را که

صلاحیت و شایستگی لازم را داشته به بهترین وجه ممکن ستوده است.

* رفتار تربیتی امام کاظم (علیه السلام).

۱. اولین نیکی به فرزند:

انتخاب نام نیکو، از حقوق فرزند بر والدین و نشانه احترام و اهمیت آنها به آینده فرزند است. موسی بن یکر از امام کاظم (ع) نقل می کند که فرمود: اولین کار نیک پدر برای فرزند این است که نام نیکو برایش انتخاب نماید.

۲. عقیقه و ولیمه فرزند:

اهمیت عقیقه تا بدانجاست که امام کاظم (ع) فرمود: «هنگام تولد فرزند عقیقه برای او واجب است.»
۳. احترام به فرزند:

کودک ادب و احترام را در آموزشگاه خانواده فراگرفته و آن را در صحنه اجتماع به نمایش می گذارد. از سلیمان بن حفص مروزی نقل شده که گفت: موسی بن جعفر فرزند خود علی را «رضا» نامید و هر زمان که نام او را بدون خطاب به او بر زبان جاری می کرد، می فرمود: بگویند فرزند من رضا، نزد من بیاید و به فرزند خود «رضا» چنین گفتم و فرزند من رضا چنان گفت و هر گاه آن جناب را مخاطب قرار می داد، می فرمود: «یا ابالحسن.»

۴. وفای به وعده:

وفای به وعده، حتی در برابر کفار، از صفات پسندیده و مورد توجه پیشوایان دین است. این عمل مهم در برخورد با کودکان اهمیت بیشتری دارد. «کلیب صیداوی» نقل می کند که امام کاظم (ع) فرمود: هنگامی که به فرزندان وعده دادید، وفا کنید؛ همانا کودکان چنان می پندارند که شما به آنها روزی می دهید. خداوند متعال به خاطر هیچ چیزی به اندازه زنان و کودکان خشمگین نمی شود.»

۵. کودکان و نماز:

نماز ستون دین و سرچشمه همه نیکیهاست. هر چند این امر مهم همزمان با سن تکلیف بر انسان واجب می شود؛ اما هر چه زودتر فرزندان با آن آشنا گردند، بیشتر با نماز مأنوس می شوند و زودتر شیرینی عبادت و ارتباط با پروردگار را می چشند. امام کاظم (ع) فرمود: مروا صبیانکم بالصلاة اذا كانوا سبع سنین...، هنگامی که فرزندان به سن هفت سالگی رسیدند، آنها را به نماز فرمان دهید.

۶. تفاوت یا تبعیض:

تبعیض و تفاوت دو واژه نزدیک، ولی متفاوت است. تبعیض بدین معناست که در میان افراد همپایه و همسان بی دلیل فرد یا افرادی را برتر به شمار آوریم؛ ولی تفاوت عبارت است از برتری شایستگان. در سیره تربیتی امام کاظم (ع) تبعیض ممنوع و تفاوت مجاز شمرده شده است. تبعیض میان فرزندان بئر کینه و اختلاف و بدبینی به والدین را در دل کودکان می پراکند.

۷. والدین و موعظه فرزندان:

امام کاظم (ع) بعضی از فرزندان را چنین اندرز می دهد: فرزندم! بپرهیز از اینکه خداوند تو را در گناهی که از آن نهی ات کرده، ببیند؛ بپرهیز از اینکه پروردگار تو را از اطاعتی که بدان فرمانت داده، دور مشاهده کند. بر تو باد به تلاش و کوشش. هرگز خود را از کوتاهی در عبادت خداوند تهی مشمار؛ زیرا خداوند چنان که شایسته است عبادت نمی شود؛ و از مزاح بپرهیز که نور ایمانت را می برد و تو

را سبک می سازد؛ و از اندوه و کسالت دور باش، که از بهره دنیا و آخرت جلوگیری می کند.»

*سیره تربیتی امام رضا (علیه السلام)

در اندیشه اسلامی، آنچه دارای ارزش و اهمیت است اعمال انسانهاست؛ بدین معنا که آدمیان ساخته دست خویشند و با اعمال و کارهایی که انجام می دهند سنجیده شده و به سعادت می رسند و هیچ گاه عوامل بیرونی مانند خانواده، نیاکان و روابط اجتماعی در ساخته شدن انسانها نقشی ندارد، بلکه تنها سکوی پرش انسان، عمل و کوشش اوست. پیشوایان راستین ما نیز همواره مردم را با این اصل آشنا کرده و حتی افراد خانواده خود را نیز آموزش داده اند که با تکیه بر شرافتها و ارزشهای خانوادگی، از پارسایی و نیکوکاری دست برداشته و برای خود اسطوره‌های خیالی نسازند. حضرت علی بن موسی الرضا(ع) نیز چنین بودند و انسانها را با تقوا و عمل الهی و انسانی سنجیدند و میان سیاه و سفید، فقیر و غنی و هر گروه و طایفه با هر اصل و نسبی فرق نمی گذاشتند و تنها برتری را در تقوا و خداپاوری راستین و عمل شایسته، می دانستند. به عنوان مثال، وقتی فردی به امام(ع) گفت: به خدا سوگند، در روی زمین از نظر نیاکان و نسب کسی از شما برتر نیست، امام(ع) به آن مرد فرمودند: «تقوا به آنان برتری داد و فرمانبرداری خدا آنان را به آن پایه و مقام رسانید» همچنین، امام دلیل برتری امامان شیعه (ع) را بر مردم، فرمانبرداری بیشتر آنان از خداوند می دانستند و تقوای الهی آنان را ملاک والایی و برتری می شمردند.

روزی شخصی به آن حضرت عرض کرد: به خدا قسم تو بهترین مردم هستی. امام(ع) به او فرمودند: «سوگند مخور، بهتر از من کسی است که برای خدا فرمانبردارتر و از نافرمانی او پرهیزگارت باشد.» به خدا سوگند این آیه نسخ نشده است که «و شما را شاخه ها و تیره ها کردیم تا یکدیگر را باز شناسید . هر آینه گرمی ترین شما نزد خدا، پرهیزگارترین شماست...» (حجرات آیه ۱۳۳) همچنین ابراهیم بن عباس صولی می گوید: از علی بن موسی الرضا(ع) شنیدم که فرمودند: برای سوگند خود، بنده ای را آزاد می کنم، و من چنین سوگندی نمی خورم مگر اینکه بنده ای را آزاد و پس از آن همه دارایی خود را در راه خدا انفاق می کنم. «سوگند می خورم به قرابتی که با پیامبر خدا(ص) دارم، اگر کسی گمان کند من بهتر از این هستم (اشاره به یکی از غلامان سیاه خود فرمودند) درست نیست، مگر اینکه من دارای عمل شایسته باشم، تا این که بهتر از او باشم.»

*شیوه‌های تربیتی امام هادی(علیه السلام)

۱. ایجاد زمینه مساعد تربیتی:

امام هادی(ع)، نقش مادر را در تربیت صحیح فرزند، بسیار مهم می‌دانند و یکی از زمینه‌های تربیت صحیح راه خانواده شایسته معرفی کنند؛ چنان که از علی بن مهزیار روایت شده است که آن حضرت در وصف مادر بزرگوارشان، چنین می‌فرمایند:

«بروی محمد بن القرج و علی بن مهزیار عن الهادی(ع): مادرم، به حق من عارف و اهل بهشت بود، شیطان سرکش به او نزدیک نمی‌شد و مکر ستمگر لجوج به او نمی‌رسید، در پناه چشم همیشه بیدار خدا بوده و در ردیف مادران انسان‌های صدیق و صالح قرار داشت.»

۲. داشتن الگو و سرمشق مناسب:

از منظر امام هادی(ع)، وقتی کودک متولد می‌شود، استعداد فطری و آمادگی ذاتی برای یادگیری و تربیت را دارد و می‌بایست یک الگوی تربیتی صحیح را برای او ایجاد کرد تا از مشاهده رفتار آنان، به ویژه از والدین، الگو گیرد و از آنان تبعیت کند و اگر چنین الگویی فرا روی فرزند نباشد، مسلماً تربیت او دچار انحراف خواهد شد. امام هادی(ع) در مرحله اول، قرآن و اهل بیت(ع) را به عنوان بالاترین الگوی تربیتی معرفی می‌کند. امام هادی(ع) سربچی از الگوهای هدایت و نداشتن سرمشق جامع را موجب هلاکت و نابودی انسان معرفی می‌کند و چنین می‌فرماید: هر کس به سوی شما اهل بیت(ع) بیاید، نجات می‌یابد، هر کس از شما دوری کند، هلاک می‌شود... و هر کس از شما جدا شود به ضلالت سوق داده شود، هر کس به شیوه و راه شما تمسک جوید، به فلاح و رستگاری می‌رسد.

۳. روش تمرین، تکرار و عادت دادن عملی:

از شیوه‌های دیگر تربیتی امام هادی(ع) این بود که آن حضرت سعی می‌کرد افراد را به رفتار پسندیده، ایجاد نظم و انضباط در زندگی تسلط بر نفس عادت دهد و با اجرای برنامه‌های مستمر همراه با تمرین و تکرار، رفتارهای شایسته را به صورت ملکه در راه و رسم زندگی فردی و اجتماعی افراد به منصفه ظهور درآورد.

۴. روش موعظه و نصیحت:

یکی از شیوه‌های تربیتی امام هادی(ع) برای تربیت افراد بود. آن حضرت همیشه افراد جامعه را با بیان نورانی و الهی خویش موعظه و نصیحت می‌فرمود و آنان را متحوّل و متذکّر می‌ساخت؛ چنان که در روایت آمده است: «بر ریحه عباسی، پیشنماز دستگاه خلافت در مکه و مدینه، در حضور متوکل عباسی، از شخصیت امام هادی(ع) و خطر او در میان شیعیان به شدت انتقاد کرد و از خلیفه خواست که او را از مدینه تبعید سازند و همین گونه هم شد. هنگامی که امام هادی(ع) را از مدینه به سمت سامرا می‌بردند، بر ریحه با امام همراه بود و به حضرت چنین گفت: تو خود می‌دانی که عامل تبعید تو (به سامرا) من بودم. با سوگندهای محکم و استوار قسم می‌خورم که اگر شکایت مرا نزد امیرالمؤمنین یا یکی از درباریان و فرزندان او ببری، تمامی درختانت را (در مدینه) آتش می‌زنم و بردگان و خدمتکارانت را می‌کشم و چشمه‌های مزرعه‌های تو را کور خواهم کرد و بدان که این کارها را می‌کنم. امام هادی(ع) متوجه او شد و در مقام موعظه و نصیحت به او چنین فرمود: نزدیک‌ترین راه برای شکایت از تو این بود که دیشب شکایت تو را نزد خدا بردم و من شکایت تو را که بر خدا عرضه کردم، نزد بندگانش نخواهم برد. بر ریحه چون این سخنان حکیمانه و موعظه‌آمیز امام را شنید، به دامان حضرت افتاد و با تضرع و انابه تقاضای بخشودن کرد. امام نیز در جواب فرمود تو را بخشیدم»

*منابع و مأخذ:

۱. احمدی، ا. اصول و روشهای تربیت در اسلام. جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۴.
۲. تهرانی، د، م. سیری در تربیت اسلامی. تهران، موسسه نشر و تحقیقات ذکر، تهران: ۱۳۷۶. ۳-
- مسرووری، ح، ع. مباحثی چند پیرامون مبانی تعلیم و تربیت اسلامی. دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۷.
۴. شیرازی، مکارم. تفسیر نمونه. جلد بیست و چهارم، دارالکتاب الاسلامیه، ۱۳۶۷.
۵. شریعتمداری، علی. تعلیم و تربیت اسلامی. نهضت زنان مسلمان.
۶. طباطبائی، محمد حسین. تفسیر المیزان. ترجمه موسوی همدانی م ب، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی، ۱۳۶۷.
۷. مطهری، مرتضی. تعلیم و تربیت در اسلام. انتشارات صدرا، ۱۳۶۹.



شؤبہ شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی